

## دادرسی عادلانه کیفری از منظر اسناد حقوق بشری و قوانین افغانستان

عیدمحمد احمدی\*

چکیده

دادرسی عادلانه یا منصفانه جزایی به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین دعوا در اجرائات دادرسی پیش‌بینی شده است. دولت‌ها به شیوه‌های مختلف، از جمله قانون‌گذاری و پیش‌بینی مکانیزم اجرایی مؤثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند. دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در اجرائات دادرسی، اعم از کیفری و مدنی، از آن برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به محاکم و دادگاه‌های بی‌طرف و مستقل و... عمومیت دارند و در تمام انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند و برخی دیگر، از جمله اصل براءت، تفهیم اتهام و... ناظر بر دعاوی کیفری می‌باشند. باید گفت هر عملی که مانع از پیاده کردن عدالت در مراحل مختلف قضایی، اعم از تعقیب تا اجرای حکم گردد، جرایم علیه عدالت قضایی خواهد بود؛ بنابراین، جرایمی که پس از ارتکاب جرمی یا پیش از تضييع حقی، مانع از اجرای عدالت در مورد طرفین دعوا

\* محقق و استاد دانشگاه.

یا مرتکبین جرم شود، جرایم علیه عدالت قضایی است؛ مانند: فراری دادن محکوم، شهادت دروغ و... بر اساس مراحل عملیات قضایی، جرایم مزبور را می‌توان به ۴ دسته تقسیم نمود: جرایم ارتكابی قبل از تعقیب، جرایم ارتكابی در حین تعقیب و پیش از صدور حکم، جرایم ارتكابی در حین دادرسی و صدور حکم، جرایم ارتكابی بعد از صدور حکم و هنگام تطبیق و اجرای حکم. در این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی حق دادرسی عادلانه در پرتو اسناد حقوق بشر با نگاهی به قوانین جزایی افغانستان و معیارهای آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: عدالت، حقوق شهروندی، دادرسی عادلانه، اسناد حقوق بشری، قوانین جزایی افغانستان.

## مقدمه

دادرسی عادلانه جزایی فرایندی است مبتنی بر برخورداری متهم از کلیه حقوق دفاعی، امکانات و شرایط برابر با طرف خویش جهت تدارک دفاع که نقض معیارهای آن موجب سلب وصف انصاف از دادرسی و در مقابل رعایت معیارهای آن، نویدبخش تحقق یک دادرسی منصفانه خواهد بود. فراهم کردن زمینه قانونی و اجرایی دادرسی عادلانه جزو حقوق بشری هر فرد متهم است. باید گفت نه تنها تشکیل یک محکمه باید مطابق با قانون و معیارهای جهانی باشد؛ بلکه شیوه دادرسی آن نیز باید با اصول و ملاک‌های روشن و شناخته شده جهانی همراه باشد. رسیدگی به اختلافات و اتهام کیفری نیازمند یک دادرسی عادلانه است که حصول این امر با رعایت اصول محاکمات جزایی و آیین دادرسی کیفری از پیش تعیین شده است. رعایت اصول عدالت شکلی، راه استقرار عدالت ماهوی است و دادرسی عادلانه از مسیر عدالت شکلی می‌گذرد؛ لذا حصول نتیجه عادلانه در گرو تأمین معیارهای قانونی شکلی است که مربوط به چگونگی تفسیر و اجرایی قواعد ماهوی است؛ از این رو، حق بر دادرسی عادلانه از مهم‌ترین حقوق انسان‌ها است. دادرسی عادلانه فرایندی است که بر مبنای اصل برائت و حفظ کرامت انسانی پایه‌گذاری شده و رعایت الزامات آن، رفتاری کرامت‌مدار و احکامی مبتنی بر عدالت و انصاف را نوید می‌دهد.

دادرسی کیفری در صورتی عادلانه است که توسط محاکم منصف و بی‌طرف و بر اساس

تشریفات قانونی انجام گرفته و در جریان آن حقوق اساسی و قانونی متهم محترم شمرده شود. در این فرایند، اقداماتی نظیر بازداشت غیر قانونی، توسل به زور و خشونت و شکنجه روحی و جسمی، استفاده از اقدامات غیر قانونی، خروج محکمه از بی طرفی، عدم استقلال، غیر علنی بودن دادرسی، عدم تساوی امکانات دفاعی و سلب حقوق دفاعی متهم و منع مداخله وکیل غیر قابل توجیه است.

قانون اجرائات جزایی با تغییرات شکلی و ماهوی گسترده نسبت به رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آن‌ها در فرایند رسیدگی کیفری در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۵ به نشر رسید. در این قانون، بسیاری از نواقص و خلأهایی که در قانون اجرائات جزایی موقت بود، برطرف گردید. در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به عنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان عدلی در تمام امور جزایی قرار داده است. قانون جدید با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، برخوردار از جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه است و با تدوین طرزالعمل‌های اجرایی مقرر در آن، با وجود کارشناسان، قضات و وکلای مدافع با تجربه و مسلکی، می‌تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم، مؤثر و نقش‌آفرین باشد.

تاسیس ۱۳۹۴

اصول دادرسی منصفانه یکی از مهم‌ترین اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۷ قانون اساسی، مواد ۲ و ۳ قانون جزا و ماده ۷ کد جزایی به این اصول پرداخته‌اند که هدف اصلی، حمایت از حقوق بزه‌دیده، متهم و جامعه است. مهم‌ترین اصلی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین داخلی مورد توجه قرار گرفته، اصل برائت است که از اصول دفاعی متهم به‌شمار می‌آید. یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه که در ماده ۷ قانون اجرائات جزایی بیان شده، ترفعی بودن موضوع ادله اتهامی است که متهم باید از موضوع و ادله اتهامی انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق مذکور برخوردار باشد.

اهمیت این نوشتار در این است که با توجه به تحولات عمیق و همه‌جانبه که در نظام حقوق

کیفری شکل گرفته و در حال توسعه و نهادینه شدن است، مهم و لازم است که حق دادرسی عادلانه در نگاهی اسناد حقوق بشری و قوانین افغانستان به بحث و بررسی گرفته شود.

## ۱. پیشینه، ماهیت و جایگاه دادرسی عادلانه کیفری

دادرسی عادلانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرایند دادرسی انواع دعاوی نزد محاکم صلاحیت دار، مستقل، بی طرف و قابل پیش بینی در مکانیزم قضایی پیش بینی شده است.

این تضمینات در صورت تحقق، سبب محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد و در نتیجه صیانت مناسب تر از حقوق افراد است. ادیان الهی، به ویژه دین اسلام، در طول تاریخ، منادی اصول دادرسی عادلانه از جمله استقلال و بی طرفی قاضی، نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات (قیح عقاب بلا بیان)، اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت، اصل تفسیر به نفع متهم و مواردی از این دست بوده اند. این در حالی است که اصطلاح دادرسی عادلانه به عنوان حق بشری از دو قرن پیش به نظام های موضوعه راه یافته است. اسناد جهانی و منطقه ای حقوق بشر؛ نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی مدنی و سیاسی، حق دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته اند و دولت ها را مکلف به اجرا و تضمین این حق برای تمام افراد نموده اند. در همین راستا، افغانستان از سال ۱۳۴۴ش، قانون اجرائات جزایی را برای سازمان دهی دادرسی به تصویب رسانده است که بیش تر جنبه اقتدار دولتی دارد تا رویکرد حقوق بشری و شهروندی.

### ۱-۱. تعریف دادرسی عادلانه

از دادرسی عادلانه تعریف های زیادی ارائه گردیده است و در این جا به بیان دقیق ترین و جامع ترین تعریف بسنده می کنیم. دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است که برای ارائه تعریف دقیق از آن، واکاوی هر جزء آن مفید به نظر می رسد. دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت دار است.» یا رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوی کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت دار به کار رفته است (فضایلی، ۱۳۸۹: ۴۷).



به بیان دیگر، دادرسی منصفانه عبارت است از دادرسی منطبق بر تشریفات قانونی به وسیله یک محکمه صالح و بی طرف که حقوق اساسی و قانونی متهم در آن محترم شمرده شود.

مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم وصف ترکیبی دادرسی عادلانه، در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» یا به معنای معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط است؛ لیکن در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی، به معنای دارابودن وصف بی طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانب داری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به کار برده شده است (فضایلی، ۱۳۸۹: ۸۹).

با وجود آن که از دادرسی منصفانه در اسناد بین المللی و منطقه ای به عنوان یکی از حقوق بنیادین زیاد یاد کرده است؛ اما در اسناد مذکور تعریف روشنی از آن بیان نشده و تنها به بیان موارد تضمین های آن اکتفا کرده اند؛ هم چنان که قانون اجرائات جزایی نیز تعریف مشخص از دادرسی عادلانه ارائه نکرده و صرف در ماده ۷ آن، به مصادیق ضمانت اجراهای آن اشاره کرده است.

باید گفت به طور کلی، دادرسی عادلانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرایند دادرسی انواع دعوی نزد دادگاهی صلاحیت دار، مستقل، بی طرف و قابل پیش بینی در مکانیزم قضایی پیش بینی شده است.

## بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

### ۱-۲. تضمینات دادرسی عادلانه جزایی

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرایند دادرسی کیفری از آن ها برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به محاکم بی طرف و مستقل و... حقوقی است که در تمام دعوی قابل اعمال است و برخی دیگر از جمله اصل برائت، تفهیم اتهام و... ناظر بر دعوی کیفری می باشند که رعایت آن ها دارای تضمینات زیر می باشند.

#### ۱-۲-۱. تضمینات عمومی

تضمینات عمومی شامل حق دادخواهی، استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع، برخوردارگی از تسهیلات و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدید

نظرخواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول و اصل تقابل یا تناظر است. این تضمینات در مواد ۷-۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) و اسناد منطقه‌ای دیگر مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است و به تبعیت از اسناد بین‌المللی مواد ۷، ۲۱۳ و ۲۴۶ قانون اجرائات جزایی به این تضمینات وجه قانونی بخشیده است.

## ۲-۲-۱. تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری

اصل برائت، تفهیم اتهام، اخذ وکیل، داشتن مترجم، قانونی بودن بازداشت و منع بازداشت خودسرانه، حق سکوت، حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت و ممنوعیت مجازات مضاعف، از جمله حق‌های موجود در فرایند رسیدگی به دعاوی کیفری است که متهم از آنها برخوردار است. این موارد در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان گردیده است.

## ۲. حمایت حقوق بشری از معیارهای دادرسی عادلانه در امور جزایی

حق آزادی رفت و آمد یکی از حقوقی است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به‌عنوان یکی از حقوق اساسی اشخاص شناخته شده است؛ از جمله اسناد بین‌المللی که به این حق اشاره نموده‌اند، می‌توان به ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره نمود که به صراحت عنوان داشته است «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت دارد.» در همین راستا، ماده ۹ این اعلامیه بیان می‌دارد: «احدی نباید مورد دستگیری، بازداشت یا تبعید خودسرانه قرار گیرد.» مفهوم این دو ماده در فقره ۱ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) به‌دنبال یکدیگر ذکر شده‌اند. «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. احدی نباید مورد دستگیری یا بازداشت خودسرانه قرار گیرد. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد؛ مگر به دلایل قانونی و آیین دادرسی مقرر به حکم قانون.» این امر در اسناد حقوق بشر منطقه‌ای هم مورد تأکید قرار گرفته‌اند. ماده ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱) و ماده ۷ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) آزادی را حق اشخاص دانسته و بازداشت غیر قانونی را ممنوع نموده‌اند. هم‌چنین فقره ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) نیز پس از تصریح به حق آزادی، مواردی را که می‌توان طی آن آزادی افراد را محدود نمود یا به عبارتی دیگر آن‌ها را دستگیر یا بازداشت

کرد را مشخص نموده است.<sup>۱</sup>

نکته جالب توجه در خصوص این ماده آن است که در تمامی بندها در کنار بازداشت لفظ «قانونی» به صراحت ذکر شده تا بازداشت‌هایی که طبق قانون انجام نشده است را هرچند به قصد انجام این بندها باشد، خارج نماید. اثر حقوقی آن این است که بازداشت‌های خودسرانه و غیر قانونی قابل پیگیری قضایی است.

آزادی در تمامی این بندها، آزادی در رفت و آمد به هر مکان بدون آن که تحت سلطه فیزیکی دیگر باشد، تعریف شده است (Howard, 2007, P202). شناسایی حق آزادی به این معنا، محدود به زمان تصویب این اسناد نمی‌باشد؛ بلکه سابقه‌ای بسیار طولانی دارد؛ چنان که «لرد بینگام»<sup>۲</sup> عنوان داشته است: «زمان شناسایی حق آزادی در حقوق انگلستان به فصل ۳۹ منشور مگناکار تا ۱۲۱۵م بازمی‌گردد.» (V., 2004, P56)

حق آزادی رفت و آمد که در معنای منفی آن محرومیت از آزادی<sup>۳</sup> است، با مفهومی تحت عنوان محدودیت در جابه‌جایی<sup>۴</sup> متفاوت می‌باشد. مفهوم دوم ناظر به مرزهای جغرافیایی است؛ بدین معنا که افراد نمی‌توانند آزادانه در فاصله بین مرزهای جغرافیایی چند کشور جابه‌جا شوند؛ اما اولی ناظر به محدود کردن آزادی رفت و آمد فرد بین مرزهای یک کشور می‌باشد. از طرفی در برابر این حق، وظیفه دولت برای حفظ و حمایت از آن قرار دارد؛ لذا دولت ملزم است از

۱. هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس نباید از آزادی خود محروم شود؛ مگر در موارد ذیل و طبق آیینی که به موجب قانون مقرر شده است:

الف. بازداشت قانونی شخص پس از محکومیت در دادگاه صالح.

ب. دستگیری یا بازداشت قانونی شخص به علت عدم رعایت دستور قانونی دادگاه یا برای تأمین اجرای هر تعهدی که به موجب قانون مقرر شده باشد.

ج. دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت حاضر کردن او نزد مراجع صالح قانونی به دلیل سوء ظن موجه در ارتکاب جرم توسط وی یا هنگامی که دستگیری یا بازداشت جهت جلوگیری از ارتکاب جرم توسط وی یا متواری شدن وی پس از ارتکاب جرم به جهت موجه ضروری به نظر می‌رسد.

د. بازداشت صغیر به موجب دستور قانونی به منظور نظارت آموزشی - پرورشی یا بازداشت قانونی به منظور حاضر کردن وی نزد مراجع صالح قانونی.

هـ. بازداشت قانونی اشخاص جهت جلوگیری از شیوع بیماری عفونی یا بازداشت قانونی اشخاص مجنون، دائم‌الخمر، معتاد به مواد مخدر یا روان‌گردان.

و. دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت جلوگیری از ورود غیر قانونی وی به کشور یا بازداشت اشخاصی که علیه آنان اقداماتی جهت اخراج یا استرداد در جریان است.

2. Lord Bingham.
3. Deprivation of liberty.
4. Restriction on movement.

این حق شهروندی حمایت کند و سازوکار لازم برای این حمایت را فراهم نماید. این تعهد، «تعهد به نتیجه» می‌باشد؛ بدین معنا که حمایت از این حق ناظر به وسایل و امکانات دولت نیست؛ بلکه به‌طور مطلق باید این حق شهروندی افراد به آنان اعطا شود. به همین جهت، قوانین اساسی بسیاری از کشورها نیز به این حق به صراحت اشاره نموده‌اند. قانون اساسی افغانستان نیز از این امر غافل نبوده و در ماده ۳۹ خود به صراحت بیان داشته است: «هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند؛ مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.»؛ لیکن جهت حمایت از این حق و اجرای مناسب این ماده قانون اساسی، قوانین کیفری ضمانت‌اجراهایی را برای نقض این حق پیش‌بینی نموده‌اند. به عبارت دیگر، اگر دولت یا فرد دیگری، آزادی شهروندی را نقض نماید، وی به حق اساسی وی صدمه وارد آورده است؛ لذا طبق قانون کیفری مجازات می‌شود.

باید گفت قانون‌گذار دولت جمهوری اسلامی افغانستان، مانند دیگر قانون‌گذاران، برای اشخاصی که از حدود قانونی در گرفتاری و توقیف غیر قانونی افراد تخطی می‌نمایند، مجازات تعیین نموده است. در ماده ۴۱۶ قانون جزا می‌گوید: هرگاه آزادی فرد با جبر و اکراه سلب شود و یا مؤظفین رسمی حکومتی برخلاف قانون، آزادی شخصی از افراد ملت را سلب نماید، به حداکثر مجازات محکوم می‌شود. هم‌چنین برابر ماده ۴۱۴ قانون جزا هرکسی که بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون گرفتاری یا توقیف اشخاص تجویز شده است، شخصی را توقیف یا از کار منع کنند، به حبس متوسط محکوم خواهد شد. در ماده ۶ قانون اختطاف و قاچاق انسان، هرگونه اقدام علیه فرد که منجر به اختطاف و گرفتن آزادی از وی شود، مجازات شدید را در پی دارد. در ماده ۹۹ قانون اجرائات جزایی آمده است که مسئولین توقیف‌خانه‌ها حق سلب آزادی اشخاص را بدون اوامر و قرارهای مقامات صالح ندارند. در ماده ۵۹۰ تا ۵۹۹ کد جزایی نیز به جرم اختطاف و سلب آزادی غیر قانونی پرداخته و مجازات‌های شدیدی را برای مرتکبین پیش‌بینی کرده است. به این ترتیب، اجرای دادرسی عادلانه تضمینات قوی را در قوانین جزایی داخلی دارد.

### ۳. شناسایی معیارهای دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی و حقوق بشر

#### ۳-۱. اصل برائت

اصل بر بی‌گناهی هر فرد است؛ مگر این‌که مجرمیت وی مطابق قانون در چارچوب یک دادرسی عادلانه در مرجع صالح اثبات گردد؛ بنابراین، هرکس که علیه شخص دیگر اقامه دعوی جزایی نماید، باید مدارک و دلایل لازم را برای اثبات ادعای خود اقامه کند. تا زمانی که دلایلی بر اثبات مجرمیت در مرجع صالح ارائه نگردد، شخص بی‌گناه و فاقد مسئولیت جزایی است.

این اصل در فقره ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و فقره ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است و به موجب آن، هرکس که به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این‌که مقصربودن او بر طبق قانون و در محکمه با صلاحیت احراز گردد. بدین‌سان، اصل برائت یکی از اصول مسلم انسانی و اسلامی است که اثر حقوقی آن، لزوم ارائه دلیل از سوی مدعی است.

#### ۳-۲. منع توقیف خودسرانه

از نخستین اصول و معیارهای لازم برای تضمین مصونیت جان و مال اشخاص، ممنوعیت هرگونه تعرض به افراد بدون حکم قضایی ناشی از اجراءات قانونی منصفانه است. همان‌گونه که در اسناد حقوق بشری تصریح گردیده، سلب آزادی از اشخاص یک امر استثنایی است که تنها به حکم ضرورت و بر مبنای قانون و دستور مرجع صالح قابل تطبیق است (فقره ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛ بنابراین، حق آزادی و امنیت شخصی افراد اقتضا می‌کند که بازداشت و گرفتاری افراد جز به حکم قانون، ممنوع گردد. برای حفظ حقوق افراد بازداشت‌شده باید تضمینات حداقلی را برای آن‌ها در نظر گرفت و به موجب آن، هرکس گرفتار می‌شود، باید در موقع گرفتارشدن از دلیل آن مطلع شود و به وی تفهیم اتهام گردد (ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و فقره ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و در اسرع وقت نزد مراجع قضایی قانونی حاضر گردد یا در مدت معقولی جلسه دادرسی برگزار گردد یا آزاد شود. فرد بازداشت‌شده امکان تظلم‌خواهی دارد و دادگاه بدون تأخیر باید راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار نظر کند (فقره ۴ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). همچنین، هرکس که به‌طور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت می‌شود، حق جبران خسارت خواهد داشت (فقره ۵ ماده



۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). صدور قرار بازداشت موقت باید در اختیار مقام قضایی باشد؛ در غیر این صورت، بازداشت، خودسرانه است و عدم رعایت شرایط قانونی باید به بطلان قرار بازداشت و مجازات مقام صادرکننده منجر شود؛ زیرا بازداشت افراد نقض حق آزادی آنها است؛ بنابراین، باید به موجب قانون و توسط مقام صلاحیت‌دار صورت گیرد.

### ۳-۳. حق برخورداری متهم از امکانات لازم برای دفاع

«حق دفاع متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه و به‌دور از اشتباهات قضایی، منظور گردیده است.» (آشوری، ۱۳۷۲: ۴۰). می‌توان گفت حق دفاع متهم مجموع تضمین‌های قانونی و قضایی است که در تمام مراحل رسیدگی جزایی برای افراد متهم به ارتکاب بزه و با هدف اتخاذ تصمیم عادلانه و به‌دور از اشتباهات قضایی در نظر گرفته است (امیری، ۱۳۹۲: ۲۲). روشن است، یکی از مهم‌ترین تضمین‌ها و معیارهای حق دفاع، امکان دسترسی متهم به همه اطلاعات ارائه‌شده به قاضی دربارهٔ دوسیهٔ او است تا بتواند نظرهای خود را راجع به آن ابراز کند، مورد اعتراض قرار دهد و یا نادرستی آن را با ادلهٔ مخالف به اثبات برساند.

حق دفاع این امکان را برای متهم فراهم می‌کند که بتواند پیش از محکوم‌شدن، از خود دفاع کند. برای دفاع لازم است متهم از حق انتخاب وکیل برخوردار باشد. حق ارتباط و انتخاب وکیل شامل حق آگاهی متهم از وجود چنین حقی و برخورداری از مساعدت وکیل و معاضدت قضایی رایگان می‌باشد (بند ب و د فقرة ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). به این ترتیب، متهم می‌تواند برای ارائهٔ دفاع شخصاً یا به وسیلهٔ وکیل منتخب خود در محاکمه حاضر شود و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده می‌شود و در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله، از وکیل معاضدتی استفاده خواهد کرد. هم‌چنین، در صورتی که متهم به زبانی که در محکمه صحبت می‌شود آشنا نباشد، می‌تواند از خدمات رایگان مترجم استفاده نماید و تمام اوراق و مدارک موجود در پرونده به‌طور کامل ترجمه شود.

### ۳-۴. حق جرح و تعدیل شهود

حق جرح و تعدیل شهود شامل حق احضار و سؤال از شهود است. متهم می‌تواند شخصاً



یا توسط وکیل خود از کسانی که علیه او شهادت داده‌اند، سؤال کند. هم‌چنین، متهم می‌تواند شاهدان را جمع کرده و شرایط آن‌ها را برای پذیرش شهادت‌شان نقد و به چالش بکشد (بند هـ - فقره ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

### ۳-۵. حق برابری

این اصل در مورد تمام حقوق انسانی، از مهم‌ترین جلوه‌های رعایت مساوات و برابری در امر قضاوت است که اقتضای برابری افراد و اصحاب دعوا است. از یک‌طرف همه افراد جامعه برای دستیابی به حق خویش به صورت برابر به مراجع قضایی صالح، به‌خاطر استماع دعوای‌شان یا دفاع از اتهامات ادعا شده علیه خود، دسترسی داشته باشند و از سوی دیگر در اجرائات دادرسی برابری بین اصحاب دعوا مورد اهتمام و مراعات قرار گیرد؛ از این رو، رعایت مساوات بین دو طرف دعوا در همه جوانب، به‌ویژه در اجرای همسان قوانین نسبت به همگان، مورد توصیه و تأکید اسناد بین‌المللی است (ماده ۷ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و فقره ۱ ماده ۱۴ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

در خصوص اصل برابری نکته‌ای مهم قابل یادآوری است. آنچه که امروزه در دادرسی کیفری از اهمیت خاصی برخوردار است، برابری بین سارنوال و متهم است که از آن به برابری «سلاح‌ها» یاد می‌شود. از آنجایی که در مورد دادرسی جزایی، سارنوال تحقیق و تعقیب، یک طرف دعوا است که تلاش می‌کند مجرمیت متهم را اثبات و زمینه محکومیت او را فراهم کند، لذا تضمین دادرسی عادلانه، توازن بین دو طرف دعوا را حتمی می‌نماید و هر دو طرف برای ارائه مطالب‌شان باید وسایل، امکانات و فرصت کافی در اختیار داشته باشند (بند ب فقره ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

### ۳-۶. حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت

به موجب فقره ۵ ماده ۹ و بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در صورتی که محکومیت در نتیجه اشتباه قضایی باشد و فرد به‌خاطر اشتباه قضایی محکوم و متحمل مجازات شده باشد، مستحق است که خسارت او طبق قانون جبران گردد؛ مگر این‌که ثابت شود خود متهم که از حقایق باخبر بوده و در زمان لازم حقایق را بیان نکرده و در اثر بیان نکردن حقایق از طرف خودش، متضرر شود؛ در این صورت، مستحق جبران خسارت نیست. به موجب

«قاعده لاضرر»، کسی نباید اعمال حق خود را وسیلهٔ اضرار به غیر قرار دهد و در صورت ورود ضرر باید در صدد جبران آن برآید. ضرر به معنای از دست دادن چیزی است که انسان آن را دارا است اعم از این که مال، جوارح، عرض یا آبرو باشد.

### ۷-۳. حق علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی، تأمین کنندهٔ دو مصلحت است: یکی حمایت از متهم در برابر محاکمات سری و دیگری به دست آوردن اعتماد عمومی نسبت به اجرای عدالت. کارویژهٔ این اصل عبارت از تضمین نظارت اجتماعی بر اجرای مستقل عدالت است؛ زیرا محروم کردن عموم از امکان حضور در رسیدگی قضایی، منجر به تصمیمات نادرست و احتمال ایجاد فساد می‌گردد. محاکمات علنی هم در محاکمات جزایی و هم مدنی لازم است؛ لکن در محاکمات جزایی از اهمیت و ضرورتی به مراتب بیش‌تر برخوردار است؛ به گونه‌ای که امکان دسترسی عموم اصل انکارناپذیر در تأمین دادرسی منصفانه است؛ بنابراین، این اصل هم در مقررات بین‌المللی حقوق بشر و هم در قوانین ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تشکیل جلسهٔ دادرسی محرمانه و سری در دوسیه‌های امنیتی امر کاملاً استثنایی است (فضایلی، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

در بارهٔ علنی بودن دادرسی، نکته‌ای وجود دارد و آن این که علنی بودن محاکمه پیش از آن که حق اصحاب دعوا باشد، تکلیف محکمه است و لازمهٔ آن چنین است که علنی برگزار کردن جلسه متوقف به درخواست از سوی اشخاص نیست؛ بلکه وظیفهٔ قاضی است که باید محکمه را علنی برگزار کند؛ مگر در موارد استثنایی که به درخواست اشخاص، با تشخیص محکمه می‌تواند یکی از آن‌ها باشد؛ از این رو، در این بخش به مثل معروف می‌رسیم که می‌گوید: «عدالت نه تنها باید اجرا شود؛ بلکه اجرای آن باید دیده نشود.» (فضایلی، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

### ۸-۳. منع مجازات مضاعف

عدالت و موازین اخلاقی و حقوقی اقتضاء می‌کند کسی که مرتکب تخلف یا جرمی شده باشد، برای عمل ارتكابی یکبار مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد، خواه این مجازات خارج از قلمرو کشور متبوع مجرم یا متخلف و خواه داخل قلمرو آن اعمال شده باشد. این اصل با اصل اعتبار آرای قضایی و امر قضاوت شده نیز سازگاری دارد (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

ممنوعیت مجازات مضاعف در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است؛ با این مضمون که هیچ‌کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد (فقره ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

#### ۴. حق دادرسی عادلانه جزایی در قوانین افغانستان

امروزه حقوق و مقررات مربوط به اصول محاکمات جزایی، با تأثیرپذیری از اصول بنیادین حقوق بشر دستخوش تحولات کمی و کیفی شده است. ماهیت و روش دادرسی منصفانه به معیار مشترک و جهانی تبدیل شده است. چنان‌که مستوفایان گردید، حق برخورداری از دادرسی عادلانه در بسیار از اسناد بین‌المللی حقوق بشر تجلی و تبلور یافته است و در قوانین اساسی و عادی بسیاری از کشورها نیز مورد تصویب و تأکید قرار گرفته است؛ زیرا این حق ضمانت اجرایی تحقق و یا پیش‌گیری از نقض بسیاری از حقوق بشر شناخته می‌شود.

حق برخورداری از اصول محاکمات جزایی در افغانستان در زمره حقوقی بوده است که به‌شدت، هم در بخش قانون‌گذاری و هم دادرسی و اجرایی، ناعادلانه و نامنصفانه بوده است که علل و دلایل آن، نوشتار جداگانه می‌طلبد. می‌توان گفت یکی از اصلاحات مهم و گامی رو به پیشرو که در افغانستان دوره جدید انجام گرفته است، اصلاحات در سیستم قانون‌گذاری و نهادهای عدلی و قضایی کشور است. یک نمونه روشن آن، قانون‌گذاری اجرائات جزایی است که به تناسب بحث از دادرسی در اسناد حقوق بشری و تأثیرپذیری این قانون از اندیشه و نظام جهانی محاکمات عادلانه، شایسته و بایسته است که نگاهی کوتاه به تضمینات اصول دادرسی عادلانه در نظام دادرسی افغانستان داشته باشیم.

تدوین قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۸۲، نخستین و مهم‌ترین گام برای استقرار حاکمیت قانون پس از بحران‌های داخلی بوده است. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، از جمله مهم‌ترین وظایف دولت جمهوری اسلامی افغانستان معرفی شده است (ماده ۲۶ قانون اساسی افغانستان). هم‌چنین تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، اعم از زن و مرد، و تضمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، از وظایف دولت است (ماده ۲۲، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی

افغانستان).

قوانین عادی نیز اصول دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند. در برخی قوانین داخلی، واژه تعقیب عدلی که به معنای دادرسی عادلانه است، را نام برده است و به دنبال آن، اصول مختلف و تضمینات عمومی و کیفری دادرسی در قوانین و مقررات عادی مورد تصریح قرار گرفته است. مصادیق ضمانت اجرای تضمین اصول مربوط به دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی و در قوانین عادی مشخص شده است.

در قوانین عادی، شرایط و نحوه تضمین اصول دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای کوتاهی مقامات قضایی در اجرای وظایف خود مشخص شده است (ماده ۱۷ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضاییه افغانستان). هم‌چنین، قانون اجرائات جزایی در بردارنده اصول متعدد تعقیب عدلی و دادرسی عادلانه است. بی‌طرفی و استقلال کامل مراجع قضایی (ماده ۱۱۶ ق.ا.ا. و ماده ۱۹ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضاییه)، اصل برائت (ماده ۲۵ قانون اساسی و ماده ۴ قانون جزا، ماده ۵ قانون اجرائات جزایی و ماده ۵ کد جزایی) و رعایت حریم خصوصی (ماده ۳۸ ق.ا.ا. و ماده ۱۱۹ ق.ا.ج. یک نکته قابل یادآوری است در صورت جرم شهود نیروهای عدلی می‌تواند داخل منزل شخص شود)، تفهیم اتهام، اطلاع از حق دسترسی به وکیل، از جمله این اصول می‌باشند (ماده ۳۱ قانون اساسی و فقرات ۱ و ۸ ماده ۷ قانون اجرائات جزایی).

به‌منظور آگاهی مردم نسبت به دادرسی عادلانه و نظارت آن‌ها بر چگونگی دادرسی صحیح در نظام قضایی افغانستان، محاکمات علنی است. ماده ۱۲۸ قانون اساسی تصریح دارد: «در محاکم افغانستان محاکمه به صورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون، در آن حضور یابد.» نیز این اصل در قوانین عادی مورد تصریح و تأیید قرار گرفته است (ماده ۱۱ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضاییه و ماده ۲۱۳ قانون اجرائات جزایی). قانون‌گذاران نظام دادرسی به تبعیت از اسناد بین‌المللی، همراه با حق علنی بودن محکمه استثنائات آن را نیز پذیرفته‌اند. ایراد بر عبارت قانون اساسی که می‌گوید: «یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد» وارد است. این بیان خیلی کلی و ظرفیت تفسیرهای مختلف را دارد و این امر ممکن است باعث سوءاستفاده گردد؛ لذا مناسب بود که قانون‌گذاران به بیان «حالاتی که در قانون تصریح گردیده»، اکتفا می‌کرد و موارد سری بودن محکمه را به صلاحیت قاضی نمی‌سپرد (علامه، ۱۳۹۴: ۲۴۳). اصل علنی بودن محاکمات از طریق ورود استثنائاتی تخصیص خورده است و به تشخیص

محکمه بنا بر مصلحت دو طرف دعوا یا اخلاق و آداب جامعه یا نظم عامه یا در جرایمی خلاف اخلاق حسنه و امور خانوادگی است یا زمانی که علنی بودن محکمه محل امنیت یا احساسات جامعه باشد، محاکمه غیر علنی خواهد بود. منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است و هر شخص می‌تواند در آن حضور یابد.

به موجب ماده ۸ اصول محاکمات جزایی، متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل مدافع یا مساعد حقوقی همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط ضابط عدلی به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برهه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود. ضمانت اجرای عدم رعایت این حق بی‌اعتباری تحقیقات است. در کلیه امور کیفری، طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع تا سه نفر را معرفی نمایند (فقرات ۱ و ۲ ماده ۹ قانون اجراءات جزایی). متهم می‌تواند از محکمه درخواست تعیین وکیل نماید و محکمه در صورت تشخیص عدم توانایی متهم برای تعیین وکیل، برای وی وکیل رایگان تعیین خواهد کرد (ماده ۱۰ قانون اجراءات جزایی). در جرایمی که مجازات آن‌ها به موجب قانون حبس طویل یا بالاتر از آن باشد، چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید، مساعد حقوقی الزاماً از طرف محکمه برای او تعیین خواهد شد (فقره ۴ ماده ۹ قانون اجراءات جزایی)

قانونی بودن گرفتاری و منع بازداشت و توقیف خودسرانه نیز موارد دیگری هستند که در قوانین نافذ کشور در حوزه دادرسی عادلانه پیش‌بینی شده است. از آنجایی که گرفتاری و توقیف خودسرانه از گذشته‌های دور یکی از موارد نقض حقوق شهروندی و نقض قانون بسیار رایج بوده است، برای شکستن این رویه نادرست و غیر عادلانه، لازم است اندکی مورد تأمل و تمرکز بیش‌تر قرار گیرد؛ زیرا ممکن است علاقه به تعقیب‌های غیر قانونی هم‌چنان در بین ضابطان عدلی رایج و مرسوم باشد. بیان نمونه تاریخی درباره گرفتاری خودسرانه بدون فایده نیست. در دوره صدارت محمدهاشم خان (۱۹۴۶-۱۹۲۹م) یک تعداد از اشخاص با اعلام جرم، اما بدون محاکمه و اثبات و عده‌ای بیش‌تر بدون هیچ‌گونه الزام و حتی اعلان (یعنی بدون تفهیم اتهام)، زندانی شدند و چون محابس دوره امانی برای این کار کافی نبود، علاوه بر توقیف‌خانه‌های ارگ! و کوتوالی، سراهای مختلف در شهر به‌عنوان زندان کمکی استملاک شد...



و بعداً زندان وسیع‌تری در دهم‌زنگ کابل اعمار گردید که از بیرون شکل قلعه داشت؛ اما در داخل از حجره‌های کثیف و دخمه‌های تاریک و متعفن تشکیل یافته بود که از زندانیان سیاسی مملو و آکنده بود. این محبوسین که اکثرشان از فاضلان و روشنفکران کشور بودند، مدت حبس معین نداشتند؛ زیرا نه جرم‌شان ثابت بود و نه جزای‌شان معلوم. خود آن‌ها ظریفانه خود را به دو دسته با عناوین «باز» و «باشه» تقسیم می‌کردند.<sup>۱</sup> «باز» آنانی بودند که گفته می‌شد «باز یک‌بار به کارشان رسیدگی می‌شد» و «باشه» کسانی که شاه یا صدراعظم گفته بود «باشه»، یعنی تا زنده است در زندان بماند؛ اما در عمل هر دو گروه در حکم زندانی ابدی بودند؛ زیرا هیچ‌کس به فکر رهاساختن ایشان نبود.» (فرهنگ، ۱۳۸۰: ۶۵۷-۶۵۸)؛ اما این رویه و رویکرد غیر عادلانه و اقتدارگرایانه، شکسته شده و امروزه حمایت از متهمین و محکومین در قوانین کیفری به‌صورت واضح و روشن مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.

ماده ۷ قانون اجرائات جزایی در طی ۲۰ فقره، مجموعه‌ای از حقوق را به‌منظور حمایت از همه افراد تحت تعقیب عدلی بیان می‌کند؛ مواردی از قبیل تفهیم اتهام، مصونیت از گرفتاری یا توقیف خودسرانه، مصونیت از توهین و تحقیر، تعذیب، با خبرکردن فامیل متهم از رخداد پیش‌آمده، استفاده از حق سکوت، حق رد قاضی، سارنوال، وکیل مدافع و سایر موارد که در این قانون پیش‌بینی شده است. هم‌چنین، ماده ۶ قانون اجرائات جزایی در طی ۲ فقره، مجموعه‌ای از اصول و حقوق مجنی‌علیه را نام می‌برد که رعایت آن‌ها در اجرائات دادرسی لازم و ضروری است؛ از قبیل رفتار منصفانه، احترام به کرامت انسانی، دسترسی به مساعدت‌های حقوقی، مادی، طبی و غیره موارد که در این ماده تصریح شده است.

هم‌چنین، در ماده ۹۱ قانون اجرائات جزایی، ضمانت اجرای تفصیرات پلیس و مامورین امنیت ملی را که در جریان کشف و تحقیق مرتکب تخلف قانونی شود، تعیین و تصریح کرده است. استماع شکایت و تظلم‌خواهی نزد مراجع ذی‌صلاح، ممنوعیت شکنجه و اذیت و آزار بدنی متهمین، صدور حکم به موجب قانون و ضمانت اجرای امتناع قاضی از صدور حکم یا تأخیر وی در صدور حکم برخلاف قانون، قانونی‌بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری، عطف به ماسبق‌نشدن قوانین نیز موارد دیگری قابل ذکر در قوانین جزایی در حوزه دادرسی عادلانه است؛ از این‌رو، از دیگر بازیگران اصلی اجرای عدالت قضایی مقامات قضایی هستند.

۱. «باز» و «باشه» در زبان عامیانه فارسی در افغانستان نام دو نوع پرنده است. شاید بی‌تناسب نبوده است که روشنفکران زندانی از باب طعنه‌زدن به حکومت، نام این دو مرغ بلندپرواز را برای خودشان انتخاب کرده بودند.



مقامات قضایی و سایر کارکنانی که در دستگاه قضایی کار می‌نمایند و نیروی انسانی مرتبط با پرونده و قضیه محسوب می‌شوند، همواره از مهم‌ترین ارکان یک دستگاه قضایی تلقی می‌گردند. دستگاه قضایی که داعیه عدالت و انصاف دارد، بی‌گمان بایستی به این نیروها و نیازهای آنها اهتمام ورزیده و به حمایت از آنان در مواقع لزوم بپردازد.

به این ترتیب، احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ایجاب می‌کند که تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و قانونی باشد و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته‌اند و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف قانون متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد. هم‌چنین منع اتهام‌سازی واهی، دستگیری‌ها و بازداشت‌های فراقانونی و خودسرانه، منع خشونت، اذیت و آزار و شکنجه در فرایند دادرسی مورد تأکید قرار گرفته است. محاکم و سارنوالی مکلف‌اند حق دفاع متهمان و شاکیان را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

## نتیجه‌گیری

حق دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که در انواع دعاوی، نحوه رفتار با یک فرد را در برابر محاکم در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. شناسایی این اصول لازمه اجرای عدالت و اصل برابری انسان‌ها در برابر قانون است و هم‌چنین با اصل تفکیک قوا، استقلال قوه قضاییه و حاکمیت قانون ارتباط دارد.

اگرچه دادرسی عادلانه و تضمینات قضایی کم و بیش از دیرباز در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است؛ اما در پی گسترش حقوق بشر و تأکید بر ارتقا و تضمین انواع حقوق بشر، پیش‌بینی و رعایت دادرسی عادلانه به‌عنوان حق بشری مورد تأکید مجدد قرار گرفت و بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها متعهد گردیدند که اجرای آن را تضمین نمایند. به این ترتیب، تضمین حق بر دادرسی عادلانه در نظام‌های حقوقی داخلی و هم‌چنین از طریق مکانیزم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

زمانی می‌توان ادعا نمود حق دادرسی عادلانه تضمین شده است که قوانین مختلف داخلی

اصول مختلف دادرسی عادلانه از جمله استقلال محاکم و قضات و بی‌طرفی آن‌ها، علنی بودن جلسات رسیدگی، دسترسی برابر همگان به مراجع قضایی ذی‌صلاح، اصل برائت، حق دفاع، تفهیم اتهام، حق اخذ وکیل و حق بر خدمات حقوقی و مترجم رایگان و... را مورد شناسایی قرار داده و اجرای آن‌ها را تضمین کنند. رعایت اصول دادرسی عادلانه هم‌چنین مستلزم این است که بازجویی و فرایند دادرسی پرونده‌های موجود با رعایت حقوق مظنون و قربانی صورت گیرد. کنترل و نظارت بر اقدامات سارنوالان زمینه را برای اجرای واقعی و مؤثر اصول دادرسی عادلانه فراهم خواهد کرد و سبب تقویت باور بر برابری همگان در مقابل قانون خواهد شد؛ زیرا در نتیجه چنین نظارتی است که می‌توان انتظار داشت تخلفات انضباطی سارنوالان یا قضات و دیگر اشخاص ذیربط بر اساس مقررات قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد.

در وضعیت کنونی نظام حقوقی افغانستان با وجود پذیرش اصول دادرسی عادلانه در قانون اساسی و قوانین عادی، تعریف صریحی از این مفهوم ارائه نشده است و تعریف آن با شناسایی اصول دادرسی عادلانه روشن گردیده است. البته ارائه تعریف برای حق بر دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز وجود ندارد و ذکر مصادیق و اصول دادرسی عادلانه است که به این مفهوم عینیت بخشیده است. پذیرش و تأکید بر اجرای دادرسی عادلانه در نظام حقوقی افغانستان، حکایت از حاکمیت قانون و استقلال قضات و تفکیک قوا دارد. تصویب قانون اجرائات جزایی و کد جزایی نیز از تحولات مثبت در خصوص پیش‌بینی و تأکید بر اصول دادرسی عادلانه محسوب می‌گردد.

چنانچه گفته شد، یکی از بزرگ‌ترین اهداف هر نظام قضایی نیز بعد از تدوین و تصویب قوانین، دستیابی به عدالت قضایی کامل می‌باشد؛ البته این عدالت قضایی از محوری‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که دوام و زوال حکومت در گرو آن بوده و کارآمدی نظام نیز تا حدی زیادی بدان بستگی دارد. نیاز جدی به رفتار عادلانه در محاکم قضایی و مراجع ذیربط، قانون‌گذار را بر آن داشته است که هر عملی را که مانع اجرای عدالت در هر مرحله از مراحل دادرسی باشد، به‌عنوان جرم علیه عدالت قضایی معرفی نماید. در همین راستا، در کد جزایی کسانی که در مسیر اجرای عدالت اخلاص ایجاد کنند، جرم‌انگاری شده و به‌صورت مستقل به این موضوع توجه شده است (ماده ۴۶۱ تا ۴۸۷ کد جزا). در این خصوص نیز مصادیق آن‌ها همگام با اسناد بین‌المللی است.

## منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۷۲)، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، اصل براءت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۲. امیری، اعظم (۱۳۹۲)، حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در نظام حقوقی ایران، مجله دادرسی، شماره ۹۷.
۳. عباسی، محمود (۱۳۹۰)، صدور گواهی خلاف واقع پزشکی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره ۲.
۴. علامه، غلامحیدر (۱۳۹۴)، اصول محاکمات جزایی، کابل، انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۵. فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۸۰)، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، قم، نشر دارالتفسیر.
۶. فضایی، مصطفی (۱۳۹۳)، جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکترین قضایی اسلام، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول.
7. Howard, Davis, Human rights Law directions, Oxford university press, 1st ed, 2007.
8. v., A., Secretary State for the Home Department (2004) UKHL.
۹. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸ م.
۱۰. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۳.
۱۱. قانون اساسی افغانستان.
۱۲. قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضاییه افغانستان.
۱۳. قانون اجراءات جزایی.
۱۴. قانون جزای افغانستان.
۱۵. کد جزایی افغانستان.